



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرأیا
علیها یصیرون

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خط فاطمیه الزهراء

با توجه به عظمت ایت الله العظمی مکارم شیرازی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خطبه حضرت زهرا سلام الله عليها

نویسنده:

آیت الله ناصر مکارم شیرازی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	خطبه حضرت زهرا سلام الله عليها
۶	مشخصات کتاب
۶	پیشگفتار
۸	عظمت و اهمیت خطبه
۹	اسناد و مدارک خطبه
۹	متن خطبه حضرت زهرا سلام الله عليها
۹	قسمت اول
۱۳	قسمت دوم
۱۴	قسمت سوم
۱۵	قسمت چهارم
۱۶	قسمت پنجم
۱۹	قسمت ششم
۲۲	قسمت هفتم
۲۴	قسمت هشتم
۲۵	قسمت نهم
۲۸	قسمت دهم
۳۰	پی نوشت ها
۴۱	درباره مرکز

خطبه حضرت زهرا سلام الله عليها

مشخصات کتاب

سرشناسه: فاطمه زهرا (س)، ۸؟ قبل از هجرت - ۱۱ق.

عنوان و نام پدیدآور: خطبه حضرت زهرا سلام الله عليها/ مترجم مکارم شیرازی؛ به سفارش اداره فرهنگی و تربیتی مدیریت مدارس حوزه علمیه قم.

مشخصات نشر: قم: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری: ۶۰ ص.؛ ۱۶×۸ س م.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۱۰۰-۱

وضعیت فهرست نویسی: برون سپاری.

یادداشت: فارسی - عربی.

یادداشت: واژه نامه.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: فاطمه زهرا (س)، ۸؟ قبل از هجرت - ۱۱ق. -- خطبه ها

شناسه افزوده: مکارم شیرازی ناصر، ۱۳۰۵ -، مترجم

شناسه افزوده: حوزه علمیه قم. مرکز مدیریت. امور مدارس. اداره فرهنگی تربیتی

شناسه افزوده: مسجد جمکران (قم)

رده بندی کنگره: BP۲۷/۲۲ م/خ ۶ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۷۳

شماره کتابشناسی ملی: ۱۳۱۳۷۶۷

پیشگفتار

این کتاب در ایام شهادت حضرت زهرا سلام الله عليها به عنوان متن مسابقه بزرگ «حفظ خطبه حضرت زهرا سلام الله عليها

همراه با مفاهیم کلمات نورانی آن حضرت» تهیه و منتشر گردید و با توجه به استقبال گسترده طلاب علوم دینی پس از بازبینی و اصلاحاتی برای دومین مرتبه در تیراژ بالاتری چاپ و منتشر می گردد.

از خوانندگان گرامی درخواست می کنیم پیش از مطالعه، نکات ذیل را ملاحظه فرمایند:

۱. این نوشتار به خطبه تاریخی حضرت زهرا سلام الله علیها پرداخته است. خطبه معروفی که علاوه بر مباحث اعتقادی و تبیین جایگاه قرآن، پیامبر صلی الله علیها و آله و اهل بیت علیهم السلام حوادث و رویدادهای بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیها و آله را بررسی نموده و از جامعیت ویژه ای برخوردار است و در واقع خطبه های حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه را تداعی می کند.

۲. ترجمه خطبه از

کتاب ارزشمند «زهره سلام الله عليها، برترین بانوی جهان» حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی که علاوه بر تشریح زندگانی و فضایل حضرت زهره سلام الله عليها به شرح و ترجمه خطبه آن حضرت با بیانی زیبا و شیوا پرداخته، نقل شده است.

۳. در چاپ اول بخش «واژه شناسی» که از کتاب «شرح خطبه حضرت زهره سلام الله عليها» نوشته آیه الله سید عزالدین زنجانی» بهره گرفته ایم به صورت مستقل در پایان جزوه آمده بود. با پیشنهاد دوستان در چاپ دوم واژه های هر صفحه در همان صفحه درج شده است. امید است این تلاش مورد عنایت حضرت زهره سلام الله عليها قرار گیرد و گام کوچکی در راه ایجاد انس با متون روایی اهل بیت علیهم السلام باشد.

با توجه به استقبال و مراجعات مکرر تصمیم به چاپ مجدد آن گرفتیم از همه عزیزان که ما را یاری نمودند کمال تشکر و امتنان را داریم.

مدیر مسؤول انتشارات مسجد مقدس جمکران حسین احمدی

عظمت و اهمیت خطبه

هرچه بیشتر خطبه حضرت زهره سلام الله عليها مورد مطالعه قرار می گیرد، عظمت و اهمیت خطبه بیشتر روشن می گردد و خوانندگان محترم با مطالعه خطبه این مطلب را تصدیق خواهند نمود. لذا با توجه به ظرفیت نوشته به ذکر دو مطلب مستند در مورد عظمت و اهمیت خطبه در قالب دو عنوان اکتفا می کنیم.

۱. تعلیم خطبه:

راوی می گوید: خطبه حضرت زهره سلام الله عليها را نزد «زید» فرزند «امام سجاد» علیه السلام خواندم و گفتم: برخی گمان می کنند خطبه کلام حضرت زهره سلام الله عليها نیست بلکه کلام «ابی العیناء» است. در پاسخ گفت: این خطبه را بزرگان آل ابوطالب از پدرانشان نقل نموده و آن را

به فرزندان‌شان یاد می‌دادند. پدرم خطبه را از جدم نقل و سند آن را به حضرت زهرا سلام الله علیها رسانید و بزرگان شیعه آن را نقل نموده و مطالعه می‌کردند قبل از آنکه «جد ابی العیناء» متولد گردد. (۱)

۲. حفظ خطبه «علامه سید شرف الدین» در کتاب «المراجعات» می‌نویسد: حضرت زهرا سلام الله علیها دارای حجج بالغه ای است و دو خطبه آن حضرت در مورد ولایت مشهور است.

اهل بیت علیهم السلام فرزندان‌شان را به حفظ این دو خطبه و می‌داشتند آن سان که به حفظ قرآن و می‌داشتند. (۲)

اسناد و مدارک خطبه

این خطبه از خطبه هایی است که علمای بزرگ شیعه و اهل سنت با سلسله سندهای بسیار آن را نقل کرده اند. برخی از منابع شیعه و اهل سنت که خطبه را به صورت کامل یا بخش هایی از آن را نقل نموده اند عبارتند از:

۱ - شرح «نهج البلاغه» اثر «ابن ابی الحدید معتزلی».

۲ - «کشف الغمه» اثر «علی بن عیسی اربلی».

۳ - «مروج الذهب» اثر «مسعودی».

۴ - «شافی» اثر «سید مرتضی».

۵ - «علل الشرایع» اثر «صدوق».

۶ - «طرائف» اثر «سید بن طاووس».

۷ - «احتجاج» اثر «مرحوم طبرسی».

و ...

متن خطبه حضرت زهرا سلام الله علیها

قسمت اول

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَنْعَمَ، وَ لَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَلْهَمَ، وَ الثَّنَاءُ بِمَا قَدَّمَ، مِنْ عُمومِ نِعَمٍ ابْتَدَأَهَا، وَ سُبُوحِ (۳) آلَاءِ (۴) أَسَدَاهَا (۵)، وَ تَمَامِ مَنَنِ (۶) وَاللَّاهَا!

جَمَّ (۷) عَنِ الْإِحْصَاءِ عِيدُهَا، وَ نَأَى عَنِ الْجَزَاءِ أَمِيدُهَا، وَ تَفَاوَتَ عَنِ الْإِدْرَاكِ أَيْدُهَا وَ نَدَبَهُمْ (۸)، لِاسْتِرَادَتِهَا بِالشُّكْرِ لِاتِّصَالِهَا، وَ اسْتَحْمَدَ إِلَى الْخَلَائِقِ بِإِجْزَالِهَا، وَ تَنَّى بِالنَّدْبِ إِلَى أَمْثَالِهَا.

وَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، كَلِمَةُ جَعَلَ الْإِخْلَاصَ تَأْوِيلَهَا، وَ ضَمَّنَ الْقُلُوبَ مَوْصُولَهَا، وَ أَنْارَ فِي الْفِكْرِ مَعْقُولَهَا.

خدا را بر نعمت هایش سپاس می گویم، و بر توفیقاتش شکر می کنم، و بر مواهبی که ارزانی داشته، ثنا می خوانم.

بر نعمت های گسترده ای که از آغاز به ما داده.

و بر مواهب بی حسابی که به ما احسان فرموده.

و بر عطایای پی در پی که همواره ما را مشمول آن ساخته. نعمت هایی که از شماره و احصاء بیرون است.

و به خاطر گستردگی در بستر زمان هرگز قابل جبران نیست.

و انتهای آن از ادراک انسان ها خارج است.

بندگان را برای افزایش و استمرار این مواهب به شکر خویش فراخوانده.

و خلائق را برای تکمیل

آن به ستایش خود دعوت نموده.

و آنان را برای به دست آوردن همانند آنها تشویق فرموده.

و من شهادت می دهم که معبودی جز خداوند یکتا نیست. بی مثال است، و شریک و مانند ندارد.

این سخنی است که روح آن اخلاص است، و قلوب مشتاقان با آن گره خورده، و آثار آن در افکار پرتوافکن شده.

الْمُتَمَتِّعِ مِنَ الْأَبْصَارِ رُؤْيَيْتُهُ، وَ مِنَ الْأَلْسُنِ صِفْتُهُ، وَ مِنَ الْأَوْهَامِ كَيْفِيَّتُهُ.

إِبْتَدَعَ (۹) الْأَشْيَاءَ لَا مِنْ شَيْءٍ كَانَ قَبْلَهَا، وَ أَنْشَأَهَا بِلَا احْتِدَاءٍ (۱۰) أَمْثَلَهُ امْتَثَلَهَا.

كَوْنَهَا بِقُدْرَتِهِ، وَ ذَرَأَهَا (۱۱) بِمَشِيئَتِهِ، مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ مِنْهُ إِلَى تَكْوِينِهَا، وَ لِفَائِدَتِهِ لَهُ فِي تَصْوِيرِهَا إِلَّا تَنْبِيْهَا لِحِكْمَتِهِ، وَ تَنْبِيْهَا عَلَى طَاعَتِهِ، وَ إِظْهَاراً لِقُدْرَتِهِ، وَ تَعْبُدًا لِبَرِيَّتِهِ، وَ اعْزَازاً (۱۲) لِتَدْعَوْتِهِ، ثُمَّ جَعَلَ الثَّوَابَ عَلَى طَاعَتِهِ، وَ وَضَعَ الْعِقَابَ عَلَى مَعْصِيَّتِهِ، ذِيَادَةً لِعِبَادِهِ عَنِ نِقْمَتِهِ وَ حِيَاشَةٍ (۱۳) لَهُمْ إِلَى جَنَّتِهِ.

خدایی که رؤیتش با چشم ها غیر ممکن است، و بیان اوصافش با این زبان، محال، و درک ذات مقدسش برای عقل و اندیشه ها ممتنع است.

موجودات جهان هستی را ابداع فرمود، بی آنکه چیزی پیش از آن وجود داشته باشد.

و همه آنها را ایجاد کرد، بی آن که الگو و مثالی قبل از آن موجود باشد.

آنها را به قدرتش تکوین نمود، و به اراده اش خلق کرد، بی آن که به آفرینش آنها نیاز داشته باشد، یا فایده ای از صورت بندی آنها عاید ذات پاکش شود.

جز این که می خواست حکمتش را از این طریق آشکار سازد. مردم را به اطاعتش دعوت کند.

قدرت بی پایان خود را از این دریچه نشان دهد.

خلاق را به عبودیت خود رهنمون گردد.

و دعوت پیامبرانش را از طریق هماهنگی تکوین و تشریح قوت بخشد.

سپس برای اطاعتش پاداش ها مقرر فرموده، و برای معصیتش کیفرها.

تا بندگان

را بدین وسیله از خشم و انتقام و عذاب خویش رهایی بخشد، و به سوی باغ های بهشت و کانون رحمتش سوق دهد.

وَ أَشْهَدُ أَنَّ أَبِي مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، إِخْتَارَهُ وَ اتَّجَبَهُ قَبْلَ أَنْ أَرْسِلَهُ، وَ سَمَّاهُ قَبْلَ أَنْ اجْتَبَلَهُ (۱۴)، وَ اصْطَفَاهُ قَبْلَ أَنْ ابْتَعَثَهُ (۱۵)، إِذِ الْخَلَائِقُ بِالْغَيْبِ مَكُونُهُ (۱۶)، وَ بَسْتَرِ الْأَهْوَالِ (۱۷) مَصُونُهُ (۱۸)، وَ بِنَهَايَةِ الْعَدَمِ مَقْرُونُهُ.

عِلْمًا مِنَ اللَّهِ تَعَالَى بِمَائِلِ [بِمَالِ (۱۹)] الْأُمُورِ، وَ إِحَاطَةً بِحَوَادِثِ الدُّهُورِ (۲۰)، وَ مَعْرِفَةً بِمَوَاقِعِ الْمَقْدُورِ.

إِبْتَعَثَهُ اللَّهُ اِتِّمَامًا لِأَمْرِهِ، وَ عَزِيمَةً عَلَى إِمْضَاءِ حُكْمِهِ، وَ إِنْفَادًا لِمَقَادِيرِ حَتْمِهِ.

فَرَأَى الْأُمَّمَ فُرْقًا (۲۱) فِي أَدْيَانِهَا، عَكْفًا (۲۲) عَلَى نِيرَانِهَا، [وَ] عَابِدَةً لِأَوْثَانِهَا (۲۳)، مُنْكَرَةً لِلَّهِ مَعَ عِزِّهَا.

و گواهی می دهم که پدرم محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده اوست، پیش از آن که او را بفرستد، برگزید؛ و پیش از آن که او را بیافریند، برای این مقام نامزد فرمود؛ و قبل از بعثتش او را انتخاب نمود.

در آن روز که بندگان در عالم غیب پنهان بودند، و در پشت پرده های هول انگیز نیستی پوشیده و به آخرین سرحد عدم مقرون بودند.

این به خاطر آن صورت گرفت که خداوند از آینده آگاه بود، و به حوادث جهان احاطه داشت، و مقدرات را به خوبی می دانست.

او را مبعوث کرد تا فرمانش را تکمیل کند، و حکمش را اجرا نماید، و مقدرات حتمی اش را نفوذ بخشد.

هنگامی که مبعوث شد، امت ها را مشاهده کرد که مذاهب پراکنده ای را برگزیده اند؛ گروهی برگرد آتش طواف می کنند، و گروهی در برابر بت ها سر تعظیم فرود آورده اند، و با این که با قلب خود خدا را شناخته اند، او را انکار می کنند.

فَأَنَارَ اللَّهُ بِمُحَمَّدٍ [صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ] ظُلْمَهَا، وَ كَشَفَ عَنِ

الْقُلُوبِ بِهَمَّهَا (۲۴)، وَ جَلَىٰ عَنِ الْأَبْصَارِ غُمَّهَا. (۲۵)

وَ قَامَ فِي النَّاسِ بِالْهُدَايَةِ، وَ أَنْقَذَهُمْ مِنَ الْغَوَايَةِ (۲۶)، وَ بَصَّرَهُمْ مِنَ الْعَمَايَةِ (۲۷)، وَ هَدَاهُمْ إِلَى الدِّينِ الْقَوِيمِ، وَ دَعَاهُمْ إِلَى الطَّرِيقِ الْمُسْتَقِيمِ.

ثُمَّ قَبَضَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ قَبْضَ رَأْفَةٍ وَ اخْتِيَارٍ، وَ رَغْبَةٍ وَ إِيْتَارٍ، فَمُحَمَّدٌ [صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَنْ] مَنْ تَعَبَ هَيْدِهِ الدَّارِ فِي رَاحِهِ، قَدْ حُفَّ (۲۸) بِالْمَلَائِكَةِ الْأُبْرَارِ، وَ رِضْوَانِ الرَّبِّ الْغَفَّارِ، وَ مُجَاوَرَةِ الْمَلِكِ الْجَبَّارِ.

قسمت دوم

صَلَّى اللَّهُ عَلَى أَبِي، نَبِيِّهِ وَ أَمِينِهِ عَلَى الْوَحْيِ وَ صَفِيِّهِ وَ خَيْرَتِهِ مِنَ الْخَلْقِ وَ رَضِيِّهِ، وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

خداوند به نور محمد صلی الله علیه و آله ظلمت ها را برچید، و پرده های ظلمت را از دل ها کنار زد، و ابرهای تیره و تار را از مقابل چشم ها برطرف ساخت.

او برای هدایت مردم قیام کرد، و آنها را از گمراهی و غوایت رهایی بخشید، و چشم هایشان را بینا ساخت، و به آئین محکم و پا برجای اسلام رهنمون گشت، و آنها را به راه راست دعوت فرمود.

سپس خداوند او را با نهایت محبت و اختیار خود و از روی رغبت و ایثار قبض روح کرد، سرانجام او از رنج این جهان آسوده شد و هم اکنون در میان فرشتگان، و خشنودی پروردگار غفار و در جوار قرب خداوند جبار قرار دارد.

درود خدا بر پدرم پیامبر صلی الله علیه و آله امین وحی، و برگزیده او از میان خلایق باد، و سلام بر او و رحمت خدا و برکاتش.

ثُمَّ التَّفْتِيَتْ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى أَهْلِ الْمَجْلِسِ وَقَالَتْ: أَنْتُمْ عِبَادُ اللَّهِ نُصِيبُ أَمْرَهُ وَ نَهْيَهُ، وَ حَمَلَهُ دِينَهُ وَ وَحْيَهُ، وَ أُمْنَاءُ اللَّهِ عَلَى أَنْفُسِكُمْ، وَ

بَلَاغُهُ (۲۹) إِلَى الْأَمَمِ.

وَزَعِيمٌ حَقٌّ لَهُ فِيكُمْ، وَعَهْدٌ قَدَّمَهُ إِلَيْكُمْ.

فسمت سوم

وَبَقِيَّتُهُ اسْتِخْلَفَهَا عَلَيْكُمْ: كِتَابُ اللَّهِ النَّاطِقُ وَالْقُرْآنُ الصَّادِقُ، وَالنُّورُ السَّاطِعُ، (۳۰) وَالصِّبْيَاءُ اللَّامِعُ، (۳۱) بَيْنَهُ بَصَائِرُهُ، مُنْكَشِفَةٌ سَرَائِرُهُ، مُتَجَلِّيَةٌ ظَوَاهِرُهُ، مُغْتَبِطَةٌ (۳۲) بِهِ أَشْيَاعُهُ، قَائِدٌ إِلَى الرِّضْوَانِ إِيْتَابُهُ، مُؤَدِّ (۳۳) إِلَى النَّجَاهِ اسْتِمَاعُهُ.

سپس رو به اهل مجلس کرد و مسؤولیت سنگین مهاجران و انصار را برشمرد و فرمود:

شما ای بندگان خدا! مسؤولان امر و نهی پروردگار و حاملان دین و وحی او هستید، و نمایندگان خدا بر خویشتن، و مبلغان او به سوی امت ها می باشید.

پاسدار حق الهی در میان شما، و حافظ پیمان خداوند که در دسترس همه شماست و آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از خود در میان امت به یادگار گذارده کتاب الله ناطق، و قرآن صادق و نور آشکار و روشنایی پرفروغ اوست.

کتابی که دلایلش روشن، باطنش آشکار، ظواهرش پر نور، و پیروانش پرافتخار.

کتابی که عاملان خود را به بهشت فرا می خواند، و مستمعینش را به ساحل نجات رهبری می کند.

بِهِ تُنَالُ حُجُجُ اللَّهِ الْمُنَوَّرَةُ، وَ عَزَائِمُهُ الْمُفَسَّرَةُ، وَ مَحَارِمُهُ الْمُحَدَّرَةُ، وَ بَيِّنَاتُهُ الْجَالِيَّةُ، وَ بَرَاهِينُهُ الْكَافِيَّةُ، وَ فَضَائِلُهُ الْمُنْدُوبَةُ، وَ رُخَصُهُ الْمَوْهُوبَةُ، وَ شَرَائِعُهُ [شَرَائِعُهُ] الْمَكْتُوبَةُ.

فَجَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشَّرِّ، وَالصَّلَاةَ تَنْزِيهاً لَكُمْ عَنِ الْكِبْرِ، وَالزَّكَاةَ تَرْكِهً لِلنَّفْسِ، وَ نَمَاءً فِي الرِّزْقِ، وَالصِّيَامَ تَثْبِيثاً لِلْإِخْلَاصِ، وَ الْحَجَّ تَشْيِيداً لِلدِّينِ، وَ الْعَدْلَ تَنْسِيقاً (۳۴) لِلْقُلُوبِ، وَ طَاعَتَنَا نِظَاماً لِلْمَلِكِ، وَ أَمَامَتَنَا أَمَاناً مِنَ الْفُرْقَةِ [لِلْفُرْقَةِ]، وَ الْجِهَادَ عِزّاً لِلْإِسْلَامِ، وَ الصَّبْرَ مَعُونَةً عَلَى اسْتِجَابِ الْأَجْرِ، وَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلِحَةً لِلْعَامَّةِ.

از طریق آن به دلایل روشن الهی می توان نایل گشت، و تفسیر واجبات او را دریافت، و

شرح محرمات را در آن خواند، و براهین روشن و کافی را بررسی کرد، و دستورات اخلاقی و آنچه مجاز و مشروع است در آن مکتوب یافت.

قسمت چهارم

سپس افزود:

خداوند «ایمان» را سبب تطهیر شما از شرک قرار داده.

و «نماز» را وسیله پاکی از کبر و غرور. «زکات» را موجب تزکیه نفس و نمو روزی.

«روزه» را عامل تثبیت اخلاص.

«حج» را وسیله تقویت آئین اسلام.

«عدالت» را مایه هماهنگی دل ها.

«اطاعت» ما را باعث نظام ملت اسلام.

و «امامت» ما را امان از تفرقه و پراکندگی.

«جهاد» را موجب عزت اسلام.

«صبر و شکیبایی» را وسیله ای برای جلب پاداش حق.

«امر به معروف» را وسیله ای برای اصلاح توده های مردم.

و بَرِّ الْوَالِدَيْنِ وَقَايَهُ مِنَ الشُّحْطِ، وَ صِلَهُ الْأَرْحَامَ مَنَّمَا لِلْعَدَدِ، وَ الْقِصَاصَ حَقْنًا (۳۵) لِلدِّمَاءِ، وَ الْوَفَاءَ بِالنَّذْرِ تَغْرِيسًا لِلْمَغْفِرَةِ، وَ تَوْفِيَهُ الْمَكَايِلِ وَ الْمَوَازِينَ تَغْيِيرًا لِلْبُخْسِ (۳۶)، وَ النَّهْيَ عَنِ شُرْبِ الْخَمْرِ تَنْزِيهًا عَنِ الرَّجْسِ، وَ اجْتِنَابَ الْقَذْفِ (۳۷) حِجَابًا عَنِ اللَّعْنَةِ، وَ تَزَكَّ السَّرِقَةَ إِجَابًا لِلْعَفْهِ، وَ حَرَّمَ اللَّهُ الشِّرْكَ إِخْلَاصًا لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ.

فَ اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ (۳۸) (۳۹)»، وَ اطِيعُوا اللَّهَ فِيمَا أَمَرَكُمْ بِهِ وَ نَهَاكُمْ عَنْهُ، فَإِنَّهُ «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ». (۴۰)»

«نیکی به پدر و مادر» را موجب پیشگیری از خشم خدا.

«صله رحم» را وسیله افزایش جمعیت و قدرت.

«قصاص» را وسیله حفظ نفوس.

«وفاء به نذر» را موجب آمرزش.

«جلوگیری از کم فروشی» را وسیله مبارزه با کمبودها.

«نهی از شراب خواری» را سبب پاکسازی از پلیدی ها.

«پرهیز از تهمت و نسبت های ناروا» را حجابی در برابر غضب پروردگار.

«ترک دزدی» را برای حفظ عفت نفس.

قسمت پنجم

و «تحریم شرک» را برای اخلاص بندگی و ربوبیت حق. اکنون که چنین است تقوای الهی پیشه کنید، و «آن چنان که شایسته مقام اوست، از مخالفت فرمانش پرهیزید، و تلاش کنید که مسلمان از دنیا بروید».

خدا را در آنچه امر یا نهی فرموده، اطاعت کنید -

و راه علم و آگاهی را پیش گیرید - چرا که:

«از میان بندگان خدا، تنها عالمان و آگاهان از او می ترسند و احساس مسؤولیت می کنند».

ثُمَّ قَالَتْ: أَيُّهَا النَّاسُ! اْعَلَمُوا أَنِّي فَاطِمَةُ، وَ أَبِي مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، أَقُولُ عَوْدًا وَ بَيْدَاءً، وَ لَا أَقُولُ مَا أَقُولُ غَلَطًا، وَ لَا أَفْعَلُ مَا أَفْعَلُ شَطَطًا. (۴۱)

«لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ (۴۲) حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ» (۴۳)*

فَإِنْ تَعَرَّوْهُ تَجِدُوهُ أَبِي دُونَ نِسَائِكُمْ، وَ أَخَا ابْنِ عَمِّي دُونَ رِجَالِكُمْ، وَ لِنِعْمِ الْمَعْرِزِيِّ إِلَيْهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ. فَبَلَّغْ بِالرِّسَالَةِ صَادِعًا (۴۵) بِاللَّذَارِهِ، مَاثِلًا عَنْ مَدْرَجِهِ (۴۶) الْمُشْرِكِينَ، ضَارِبًا تَبَجُّهُمُ (۴۷)، آخِذًا بِأَكْظَامِهِمْ (۴۸)،

سپس فرمود: ای مردم! بدانید من فاطمه ام! و پدرم محمد است، که صلوات و درود خدا بر او و خاندانش باد.

آنچه می گویم آغاز و انجامش یکی است - و هرگز ضد و نقیض در آن راه ندارد - و آنچه را می گویم غلط نمی گویم، و در اعمالم راه خطا نمی پویم.

«به یقین رسولی از خود شما به سویتان آمد که رنج های شما بر او سخت است و اصرار بر هدایت شما دارد و نسبت به مؤمنان رؤف و مهربان است».

هرگاه نسب او را بجوید می بینید او پدر من بوده است، نه پدر زنان شما! و برادر پسر عموی من بوده است، نه برادر مردان شما! و چه پرافتخار است این نسب، درود خدا بر او و خاندانش باد!

آری او آمد و رسالت خویش را به خوبی انجام داد، و مردم را به روشنی انداز کرد، از طریقه مشرکان روی برتافت و برگردن هایشان کوبید، و گلویشان را فشرد - تا از شرک دست بردارند و

در راه توحید گام بگذارند.

دَاعِيًا إِلَى سَبِيلِ رَبِّهِ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ.

يَكْسِرُ الْأَضْنَامَ، وَيَنْكُتُ (٤٩) الْهَامَ، حَتَّى أَنْهَزَمَ (٥٠) الْجَمْعُ وَوَلَّوْا الدُّبُرَ (٥١)، حَتَّى تَفَرَّى اللَّيْلُ عَن صُبْحِهِ (٥٢)، وَأَسْفَرَ (٥٣) الْحَقُّ عَن مَحْضِهِ، وَنَطَقَ زَعِيمُ الدِّينِ، وَخَرَسَتْ شَقَاشِقُ (٥٤) الشَّيَاطِينِ، وَطَاحَ (٥٥) وَشَيْطُ (٥٦) النِّفَاقِ، وَانْحَلَّتْ عُقْدُ الْكُفْرِ وَالشَّقَاقِ، وَفُهِتُمْ (٥٧) بِكَلِمَةِ الْإِخْلَاصِ فِي نَفَرٍ (٥٨) مِنَ الْبَيْضِ (٥٩) الْخِمَاصِ. (٦٠)

او همواره با دلیل و برهان و اندرز سودمند مردم را به راه خدا دعوت می کرد.

بت ها را درهم می شکست، و مغزهای متکبران را می کوبید، تا جمع آنها متلاشی شد، و تاریکی ها برطرف گشت، صبح فرا رسید، و حق آشکار شد، نماینده دین به سخن درآمد، و زمزمه های شیاطین خاموش گشت.

افسر نفاق بر زمین فرو افتاد، گره های کفر و اختلاف گشوده شد، و شما زبان به کلمه اخلاص (لا اله الا الله) گشودید، در حالی که گروهی اندک و تهیدست بیش نبودید!

وَ كُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرِهِ مِنَ النَّارِ، مُذَقِّقَهُ (٦١) الشَّارِبِ، وَ نُهْزَةَ (٦٢) الطَّامِعِ، وَ قَبَسَةَ (٦٣) الْعَجْلَانِ، وَ مَوْطِئَ (٦٤) الْأَقْدَامِ، تَشْرِبُونَ الطَّرِيقَ (٦٥)، وَ تَقْتَاتُونَ (٦٦) الْوَرَقَ، أَذِلَّةٌ خَاسِئِينَ، تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِكُمْ. فَأَنْقَذَكُمُ (٦٧) اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بَعْدَ اللَّتْيَا وَ اللَّتْيِ، بَعْدَ أَنْ مُنِيَ (٦٨) بِبِهِمُ الرِّجَالِ وَ ذُؤْبَانَ الْعَرَبِ (٦٩) وَ مَرَدَهُ (٧٠) أَهْلَ الْكِتَابِ، كُلَّمَا أُوقِدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ، أَوْ نَجَمَ (٧١) قَرْنٌ (٧٢) لِلشَّيْطَانِ.

آری شما در آن روز بر لب پرتگاه آتش دوزخ قرار داشتید، و از کمی نفرات همچون جرعه ای برای شخص تشنه، و یا لقمه ای برای گرسنه، و یا شعله آتشی برای کسی که شتابان به دنبال آتش می رود، بودید، و زیر دست و پاها له می شدید!

در آن ایام آب نوشیدنی شما

متعفن و گندیده بود، و خوراکتان برگ درختان! ذلیل و خوار بودید، و پیوسته از این می ترسیدید که دشمنان زورمند شما را بربایند و ببلعند!

اما خداوند تبارک و تعالی شما را به برکت محمد که درود خدا بر او و خاندانش باد بعد از آن همه ذلت و خواری و ناتوانی نجات بخشید، او با شجاعان درگیر شد، و با گرگ های عرب و سرکشان یهود و نصاری پنجه درافکند، ولی هر زمان آتش جنگ را برافروختند خدا آن را خاموش کرد.

قسمت ششم

و هرگاه شاخ شیطان نمایان می گشت **أَوْ فَغَرْتُ (۷۳) فَاعْرِزْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَذَفَ (۷۴) اخَاهُ فِي لَهَوَاتِهَا، فَلَا يَنْكِفِي (۷۵) حَتَّى يَطَّأ (۷۶) صِمَاحَهَا بِأَحْمَصِهِ (۷۷)، وَ يُخَمِدَ (۷۸) لَهَبَهَا (۷۹) بِسَيْفِهِ، مَكْدُوداً (۸۰) فِي ذَاتِ اللَّهِ، مُجْتَهِداً فِي أَمْرِ اللَّهِ، قَرِيباً مِنْ رَسُولِ اللَّهِ، سَيِّدِأ فِي أَوْلِيَاءِ اللَّهِ، مُشَجَّراً (۸۱) نَاصِحاً، مُجِدّاً كَادِحاً (۸۲) وَ أَنْتُمْ فِي رَفَاهِيهِ مِنَ الْعَيْشِ، وَادْعُونَ (۸۳) فَمَا كُفُونَ آمِنُونَ، تَتْرَبُّونَ (۸۴) بِنَا الدَّوَابِّ (۸۵) وَتَتَوَكَّفُونَ (۸۶) الْأَخْبَارَ، وَ تَنْكُصُونَ (۸۷) عِنْدَ النَّزَالِ (۸۸)، وَ تَفْرُونَ عِنْدَ الْقِتَالِ.**

و فتنه های مشرکان دهان می گشود، پدرم برادرش علی علیه السلام را در کام آنها می افکند، و آنها را به وسیله او سرکوب می نمود، و او هرگز از این مأموریت های خطرناک باز نمی گشت مگر زمانی که سرهای دشمنان را پایمال می کرد و بینی آنها را به خاک می مالید!

[او (علی علیه السلام) در راه خشنودی خدا متحمل رنج و سختی گردید، و در راه انجام دستورات الهی تلاش می نمود و به رسول خدا صلی الله علیه و اله نزدیک و سید و سالار اولیای خدا بود. او همیشه آماده (فعالیت) و خیرخواه مردم بود و با جدیت و زحمت تلاش می نمود و این در حالی بود که شما در رفاه

و خوشگذرانی، آسایش، نعمت و امنیت به سر می بردید و انتظار می کشیدید که برای ما (اهل بیت علیهم السلام) حوادث ناگوار پیش آید و توقع شنیدن اخبار (بد درباره ما) داشتید و هنگام جنگ عقب نشینی می کردید. و از نبرد فرار می کردید.]

فَلَمَّا اخْتَارَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ [صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَارَاتِهِ دَارَ أَنْبِيَائِهِ، وَ مَأْوَى أَصْدِقَائِهِ، ظَهَرَتْ فِيكُمْ حَسِدٌ يَكُهَا (٨٩) النَّفَاقُ، وَ سَيِّئٌ (٩٠) جَلْبَابٌ (٩١) الدِّينِ، وَ نَطَقَ كَاطِمٌ (٩٢) الْغَاوِينَ (٩٣)، وَ نَبَّخَ (٩٤) حَامِلٌ (٩٥) الْأَقْلِينَ، وَ هَرَدَرَ فَيْقُ (٩٦) الْمُبْطِلِينَ، فَخَطَرَ (٩٧) فِي عَرَصَاتِكُمْ (٩٨)، وَ أَطَاعَ الشَّيْطَانُ رَأْسَهُ مِنْ مَعْرَظِهِ (٩٩) هَاتِفًا بِكُمْ، فَأَلْفَاكُمْ لِدَعْوَتِهِ مُسْتَجِيبِينَ، وَ لِلْعَرَّةِ (١٠٠) فِيهِ مُلْمَاحِظِينَ، ثُمَّ اسْتَنْهَضَكُمْ فَوَجَدَكُمْ خِفَافًا، وَ أَحْمَشَكُمْ فَأَلْفَاكُمْ غَضَابًا،

امّا هنگامی که خداوند سرای پیامبران را برای پیامبرش برگزید، و جایگاه برگزیدگان را منزلگاه او ساخت، ناگهان کینه های درونی و آثار نفاق در میان شما ظاهر گشت، و پرده دین کنار رفت، گمراهان به صدا درآمدند و گمنامان فراموش شده سربلند کردند، نعره های باطل برخاست و در صحنه اجتماع شما به حرکت درآمدند.

شیطان سرش را از مخفیگاه خود بیرون کرد و شما را به سوی خود دعوت نمود، و شما را آماده پذیرش دعوتش یافت و منتظر فریشت!

سپس شما را دعوت به قیام کرد و سبکبار برای حرکت یافت! شعله های خشم و انتقام را در دل های شما برافروخت و آثار غضب در شما نمایان گشت.

فَوَسَّمْتُمْ (١٠١) غَيْرَ اِبْلَاحِكُمْ، وَ اَوْرَدْتُمْ غَيْرَ شَيْءٍ بِكُمْ، هَذَا وَ الْعَهْدُ قَرِيبٌ، وَ الْكَلِمَةُ (١٠٢) رَحِيبٌ (١٠٣)، وَ الْجُزْجُحُ (١٠٤) لَمَّا يَنْدَمِلُ (١٠٥)، وَ الرَّسُولُ لَمَّا يُقْبَرُ.

إِبْدَاراً زَعَمْتُمْ خَوْفَ الْفِتْنَةِ «أَلَا- فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَ إِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ» (١٠٦)*، فَهَيْهَاتَ مِنْكُمْ! وَ كَيْفَ بِكُمْ؟ وَ أَتَى تُوفِّكُونَ؟ وَ كِتَابُ اللَّهِ بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ، أُمُورُهُ زَاهِرَةٌ [ظَاهِرَةٌ] (١٠٧)،

وَأَعْلَامُهُ بَاهِرَةٌ (۱۰۸)، وَزَوَاجِرُهُ لَائِحَةٌ، وَ أَوَامِرُهُ وَاضِحَةٌ، قَدْ خَلَفْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ، ارْغَبْهُ عَنْهُ تُرِيدُونَ؟ أَمْ بَغَيْرِهِ تَحْكُمُونَ؟ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا.

«وَمَنْ يَتَّبِعِ (۱۰۹) غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ». (۱۱۰)»

و همین امر سبب شد بر غیر شتر خود علامت نهید، و در غیر آبشخور خود وارد شوید، - و به سراغ چیزی رفتید که از آن شما نبود و در آن حقی نداشتید و سرانجام به غضب حکومت پرداختید.

در حالی که هنوز چیزی از رحلت پیامبر نگذشته بود، زخم های مصیبت ما وسیع و جراحات قلبی ما التیام نیافته، و حتی هنوز پیامبر صلی الله علیه و آله به خاک سپرده نشده بود.

بهانه شما این بود که «می ترسیم فتنه ای برپا شود!»، و چه فتنه ای از این بالاتر که در آن افتادید؟ و همانا دوزخ به کافران احاطه دارد.

چه دور است این کارها از شما! راستی چه می کنید؟ و به کجا می روید؟

با این که کتاب خدا - قرآن - در میان شماست، همه چیزش پرنور، نشانه هایش درخشانده، نواهی اش آشکار، اوامرش واضح، اما شما آن را پشت سرافکنید!

آیا از آن روی برتافته اید؟ یا به غیر آن حکم می کنید؟ آه که ستمکاران جانشین بدی را برای قرآن برگزیدند.

«و هر کس آئینی غیر از اسلام را انتخاب کند، از او پذیرفته نخواهد شد و در آخرت از زیانکاران است».

ثُمَّ لَمْ تَلْبَثُوا (۱۱۱) إِلَّا رَيْثٌ [إِلَى رَيْثٍ أَنْ تَسِيكُنَ نَفَرْتَهَا، وَيَسْلَسَ (۱۱۲) قِيَادَهَا (۱۱۳)، ثُمَّ أَخَذْتُمْ تُوْرُونَ (۱۱۴) وَقَدْتَهَا (۱۱۵) وَ تَهَيَّجُونَ جَمْرَتَهَا (۱۱۶)، وَ تَسْتَجِيبُونَ لِهَتَافِ الشَّيْطَانِ الْعَوِيِّ، وَ إِطْفَاءِ أَنْوَارِ الدِّينِ الْجَلِيِّ، وَ إِحْمَادِ سُنَنِ النَّبِيِّ الصَّفِيِّ،

تُسِرُّونَ حَسَوًا فِي ارْتِعَاءِ، وَ تَمْشُونَ لِأَهْلِهِ وَ وُلْدِهِ فِي الْخَمْرِ وَ الضَّرَاءِ، وَ نَصَبِ مِنْكُمْ

عَلَى مِثْلِ حَزِّ (۱۱۷) الْمُدَى (۱۱۸)، وَ وَخَزِ (۱۱۹) السِّنَانِ فِي الْحَشَا.

وَ أَنْتُمْ الْآنَ تَزْعُمُونَ أَلَا إِرْثَ لَنَا؟

قسمت هفتم

آری، شما ناقه خلافت را در اختیار گرفتید، حتی این اندازه صبر نکردید که رام گردد، و تسلیمتان شود، ناگهان آتش فتنه ها را برافروختید، و شعله های آن را به هیجان درآوردید و ندای شیطان اغواگر را اجابت نمودید، و به خاموش ساختن انوار تابان آئین حق و از میان بردن سنت های پیامبر پاک الهی پرداختید.

به بهانه گرفتن کف - از روی شیر - آن را به کلی تا ته مخفیانه نوشیدید.

ظاهراً سنگ دیگران را به سینه می زدید اما باطناً در تقویت کار خود بودید. برای منزوی ساختن خاندان و فرزندان او به کمین نشستید، ما نیز چاره ای جز شکیبایی ندیدیم، همچون کسی که خنجر بر گلوی او و نوک نیزه بر دل او نشسته باشد! عجب این که شما چنین می پندارید که خداوند ارثی برای ما قرار نداده و ما از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ارث نمی بریم!

أَفْحَكُمُ الْجَاهِلِيَّةُ تَبْعُونَ؟ «وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ» (۱۲۰)* أَفَلَمْ تَعْلَمُونَ؟ بَلَى تَجَلَّى لَكُمْ كَالشَّمْسِ الضَّاحِيَةِ أَنَّى ابْتَنَتْهُ.

أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ أَغْلَبَ عَلَى إِرْثِيهِ؟ يَا ابْنَ أَبِي قُحَافَةَ! أَفِي كِتَابِ اللَّهِ أَنْ تَرِثَ أَبَاكَ وَ لَا أَرِثَ أَبِي؟ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا فَرِيًّا (۱۲۱).

أَفْعَلَى عَمْدٍ تَرَكْتُمْ كِتَابَ اللَّهِ وَ نَبَذْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ إِذْ يَقُولُ: «وَ وَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ»*(۱۲۲)(۱۲۳)

وَ قَالَ فِيمَا اقْتَصَّ مِنْ خَبْرِ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا إِذْ قَالَ «فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرِثُنِي وَ يَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ»*(۱۲۴)(۱۲۵)، وَ قَالَ: «وَ أُوَلُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَى بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ»*(۱۲۶)(۱۲۷)

وَ قَالَ: «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ الْاُنْثَيْنِ»*(۱۲۸)

آیا از حکم جاهلیت پیروی

می کنید؟ «چه کسی حکمش از خدا بهتر است برای آنها که اهل یقینند؟»

آیا شما این مسایل را نمی دانید؟ آری می دانید، و همچون آفتاب برای شما روشن است که من دختر اویم.

شما ای مسلمانان! آیا باید ارث من به زور گرفته شود؟

ای فرزند ابی قحافه! به من پاسخ ده! آیا در قرآن است که تو از پدرت ارث ببری و من از پدرم ارثی نبرم؟ چه سخن ناروایی!

آیا عمداً کتاب خدا را ترک گفتید و پشت سر افکندید؟ در حالی که می فرماید: «و سلیمان وارث داود شد».

و در داستان یحیی بن زکریا می گوید: «(خداوند!) تو از نزد خود جانشینی به من ببخش که وارث من و دودمان یعقوب باشد».

و نیز می فرماید: «و خویشاوندان نسبت به یکدیگر در احکامی که خدا مقرر داشته (از دیگران) سزاوارترند».

و نیز می گوید: «خداوند درباره فرزندانان به شما سفارش می کند که سهم (میراث) پسر به اندازه سهم دو دختر باشد».

وَ قَالَ: «إِنَّ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ» (۱۲۹)*

وَ زَعَمْتُمْ أَلَّا حِظُّوهُ (۱۳۰) لِي وَ لِمَا ارِثُ مِنْ أَبِي؟ وَ لَا رَحِمَ بَيْنِنَا؟ أَفَخَصَّكُمْ اللَّهُ بِأَيِّهِ أَخْرَجَ مِنْهَا أَبِي؟ أَمْ هَلْ تَقُولُونَ إِنَّ أَهْلَ مَلَّتَيْنِ لَا يَتَوَارَثَانِ؟ أَوْ لَسْتُ أَنَا وَ أَبِي مِنْ أَهْلِ مَلَّةٍ وَاحِدَةٍ؟ أَمْ أَنْتُمْ أَعْلَمُ بِخُصُوصِ الْقُرْآنِ وَ عُمُومِهِ مِنْ أَبِي وَ ابْنِ عَمِّي؟

و نیز فرموده: «(اگر کسی مالی از خود بگذارد) برای پدر و مادر و نزدیکان به طور شایسته وصیت کند، این حقی است بر پرهیزکاران».

شما چنین پنداشتید که من هیچ بهره و ارثی از پدرم ندارم؟ و هیچ نسبت و خویشاوندی در میان ما نیست؟!

آیا خداوند آیه ای مخصوص شما نازل کرده است که

پدرم را از آن خارج ساخته؟

یا می گوئید: پیروان دو مذهب از یکدیگر ارث نمی برند، و من با پدرم یک مذهب نداریم؟

یا این که شما به عام و خاص قرآن از پدرم و پسر عمویم آگاه ترید؟

فَدُونَكَهَا (۱۳۱) مَخْطُومَةً (۱۳۲) مَرْحُولَةً (۱۳۳)، تَلَقَّاكَ يَوْمَ حَشْرِكَ، فَنِعْمَ الْحَكَمُ لِلَّهِ، وَالزَّعِيمُ مُحَمَّدٌ [صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ الْمَوْعِدُ الْقِيَامَةُ، وَ عِنْدَ السَّاعَةِ يَخْسِرُ الْمُبْطِلُونَ وَ لَا يَنْفَعُكُمْ إِذْ تَنْدُمُونَ، «وَلِكُلِّ نَبَالٍ مُسْتَقَرٌّ وَ سَوْفَ تَعْلَمُونَ»*(۱۳۴)(۱۳۵) «مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَ يَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُقِيمٌ»*(۱۳۶)

قسمت هشتم

ثُمَّ رَمَتْ بِطَرْفِهَا (۱۳۷) نَحْوَ الْأَنْصَارِ فَقَالَتْ:

يَا مَعْشَرَ الْفِتْيَةِ (النَّقِيْبِيَّةِ (۱۳۸)) وَ أَعْضَادَ (۱۳۹) الْمِلَّةِ، وَ حَضَنَةَ (۱۴۰) الْإِسْلَامِ! مَا هَذِهِ الْغَمِيْزَةُ (۱۴۱) فِي حَقِّي؟ وَ السِّنَّةُ عَن ظُلَامَتِي؟

حال که چنین است پس بگیر آن - ارث مرا - که همچون مرکب آماده و مهار شده آماده بهره برداری است و بر آن سوار شو.

ولی بدان در قیامت تو را دیدار می کند و بازخواست می نمایم و در آن روز چه جالب است که داور خداست، و مدعی تو محمد صلی الله علیه و آله، و موعد داوری، رستاخیز، و در آن روز باطلان زیان خواهند دید، اما پشیمانی به حال شما سودی نخواهد داشت! بدانید: «هر چیزی - که خداوند به شما داده سرانجام - قرارگاهی دارد - و در موعد خود انجام می گیرد - و به زودی خواهید دانست» «به زودی خواهید دانست چه کسی عذاب خوار کننده به سراغش خواهد آمد و مجازات جاودان بر او وارد خواهد شد!»

سپس بانوی اسلام گروه انصار را مخاطب ساخته و با آهنگی رسا و محکم و کوبنده ادامه سخن داد و چنین فرمود: ای جوانمردان! و ای بازوان توانمند ملت و یاران اسلام این نادیده

گرفتن حق مسلم من از سوی شما چیست؟ این چه تغافلی است که در برابر ستمی که بر من وارد شده نشان می دهید؟!

أَمَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَبِي يَقُولُ: «الْمَرْءُ يُحْفَظُ فِي وُلْدِهِ»؟

سَرَعَانَ (۱۴۲) مَا أَخَدْتُمْ، وَ عَجَلَانَ ذَا إِهَالِهِ (۱۴۳)، وَ لَكُمْ طَاقَةٌ بِمَا أَحَاوِلُ وَ قُوَّةٌ عَلَيَّ مَا أَطْلُبُ وَ أُزَاوِلُ.

أَتَقُولُونَ مَاتَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؟ فَخَطَبْتُ (۱۴۴) جَلِيلُ اسْتَوْسَعَ (۱۴۵) وَ هُنَّ (۱۴۶)، وَ اسْتَنَهَرَ فَتَقَهُ (۱۴۷)، وَ أَنْفَتَقَ رَتْقَهُ، وَ أَظْلَمَتِ الْأَرْضُ لِعَيْبَتِهِ، وَ كُسِفَتِ النُّجُومُ لِمُصِيبَتِهِ، وَ أَكَدَّتِ الْأَمَالَ (۱۴۸)، وَ خَشَعَتِ الْجِبَالَ، وَ أُضِيعَ الْحَرِيمُ، وَ أُزِيلَتِ الْحُرْمَةُ عِنْدَ مَمَاتِهِ.

آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله پدرم نمی فرمود: احترام هر کس را در مورد فرزندان او باید نگاه داشت؟ چه زود اوضاع را دگرگون ساختید، و چه با سرعت به بیراهه گام نهادید، با این که توانایی بر احقاق حق من دارید، و نیروی کافی بر آنچه می گویم در اختیار شماست.

آیا می گوید: محمد صلی الله علیه و آله از دنیا رفت - و با مُردن او همه چیز تمام شد، و خاندان او باید به دست فراموشی سپرده شوند و سنتش پایمال گردد؟ - .

آری مرگ او مصیبت و ضربه دردناکی بر جهان اسلام بود. فاجعه سنگینی است که بر همه غبار غم فروریخت، و شکافش هر روز آشکارتر، و گسستگی آن دامنه دارتر، و وسعتش فزون تر می گردد، زمین از غیبت او تاریک، و ستارگان برای مصیبتش بی فروغ و امیدها به یاس مبدل گشت، کوه ها متزلزل گردید احترام افراد پایمال شد و با مرگ او حرمتی باقی نماند!

قسمت نهم

فَتَلَّكَ وَ اللَّهُ النَّازِلَةُ الْكُبْرَى وَ الْمُصِيبَةُ الْعُظْمَى

لَا مِثْلُهَا نَازِلَةٌ، وَ لَا بَائِقَةٌ (۱۴۹) عَاجِلَةٌ، أَعْلَنَ بِهَا

كِتَابُ اللَّهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ فِي أَفْتِيَّتِكُمْ وَ فِي مُمَسَاكِمِمْ وَ مُضِيَّ بَحِكِمِمْ، هَتَافاً (١٥٠) وَ صُرَاخاً (١٥١)، وَ تِلَاوَةً وَ أَلْحَاناً، وَ لَقَبْلَهُ مَا حَلَّ بِأَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ حُكْمَ فَضْلٍ، وَ قَضَاءَ حَتْمٍ.

«وَ مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَ مَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئاً وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ.»*(١٥٢)

به خدا سوگند این حادثه ای است عظیم و مصیبتی است بزرگ و ضایعه ای است جبران ناپذیر.

ولی فراموش نکنید اگر پیامبر (صلی الله علیه و آله) رفت قرآن مجید قبلاً از آن خبر داده بود، همان قرآنی که پیوسته در خانه های شماس، و صبح و شام با صدای بلند و فریاد و - یا - آهسته و با الحان مختلف در گوش ما خوانده می شود، پیامبران پیشین نیز قبل از او با این واقعیت روبرو شده بودند چرا که مرگ فرمان تخلف ناپذیر الهی است.

آری قرآن صریحاً گفته بود: «محمد صلی الله علیه و آله فقط فرستاده خداست، و پیش از او فرستادگان دیگری نیز بودند، آیا اگر او بمیرد و یا کشته شود شما به عقب برمی گردید؟ (و اسلام را رها کرده به دوران جاهلیت و کفر بازگشت خواهید نمود؟) و هرکس به عقب بازگردد هرگز به خداوند ضرری نمی زند و خداوند به زودی شاکران (و استقامت کنندگان) را پاداش خواهد داد».

إِيَّاهُ (١٥٣) بِنِي قَيْلِهِ! أَهْضَمُ (١٥٤) تُرَاثِ أَبِي وَأَنْتُمْ بِمَرَأَى مَنِي وَ مَسْمَعِ، وَ مُنْتَدَى (١٥٥) وَ مَجْمَعِ؟

تَلْبَسِيكُمْ الدَّعْوَةَ وَ تَشْمَلُكُمْ الْخُبْرَةَ وَ أَنْتُمْ ذُوو الْعَيْدِ وَ الْعَيْدِ، وَ الْمَادَاهِ وَ الْقَوَّةِ، وَ عِنْدَكُمْ السِّلَاحُ وَ الْجُنَّةُ، تُؤَافِيكُمْ الدَّعْوَةُ فَلَا تُجِيبُونَ، وَ تَأْتِيكُمْ الصَّرْحَةُ فَلَا تُعِينُونَ [تُعِينُونَ، وَ

أَنْتُمْ مَوْصُوفُونَ بِالْكَفَاحِ (۱۵۶)، مَعْرُوفُونَ بِالْخَيْرِ وَالصَّلَاحِ، وَالنُّخْبَةُ الَّتِي انْتَخَبْتَ، وَالْخَيْرَةُ الَّتِي اخْتِيرَتْ.

قَاتَلْتُمُ الْعَرَبَ، وَتَحَمَّلْتُمُ الْكَدَّ وَالتَّعَبَ، وَنَاطَحْتُمُ الْأُمَّمَ، وَكَافَحْتُمُ الْبُهَمَ (۱۵۷)، لَا نَبْرُحُ أَوْ تَبْرُحُونَ، نَأْمُرُكُمْ فَتَأْتِمُرُونَ،

عجبا! «ای فرزندان قیله» (قیله زن با شخصیت و شرافتمندی است بود که نسب قبایل انصار به او منتهی می گردد) آیا ارث من باید پایمال گردد و شما آشکارا می بینید و می شنوید، و در جلسات و مجمع شما این معنی گفته می شود و اخبارش به خوبی به شما می رسد و باز هم خاموش نشسته اید؟ با این که دارای نفرات کافی و تجهیزات و نیروی وسیع و سلاح و سپر هستید، دعوت مرا می شنوید و لیبیک نمی گوئید؟ و فریاد من در میان شما طنین افکن است و به فریاد نمی رسید؟ با اینکه شما در شجاعت زبانزد می باشید و در خیر و صلاح معروفید، و شما برگزیدگان اقوام و قبایل هستید.

با مشرکان عرب پیکار کردید و رنج ها و محنت ها را تحمل نمودید، شاخ های گردنکشان را در هم شکستید، و با جنگجویان بزرگ دست و پنجه نرم کردید، و شما بودید که پیوسته با ما حرکت می کردید، و در خط ما قرار داشتید، دستورات ما را گردن می نهادید و سر بر فرمان ما داشتید،

حَتَّى إِذَا دَارَتْ بِنَا رَحَى الْأَسَدِ لَامٍ، وَ دَرَّ (۱۵۸) حَلْبُ (۱۵۹) الْأَيَّامِ، وَ خَضَعَتْ نَعْرَهُ (۱۶۰) الشَّرِكِ، وَ سَكَتَتْ فَوْرَهُ (۱۶۱) الْأُفْكِ، وَ حَمَدَتْ (۱۶۲) نِيرَانُ الْكُفْرِ، وَ هِدَاةُ (۱۶۳) دَعْوَةِ الْهَرَجِ (۱۶۴)، وَ اسْتَوْتَقَ (۱۶۵) [اسْتَوْتَقَ نِظَامَ الدِّينِ، فَأَنَّى حِرْتُمْ بَعْدَ الْبَيَانِ؟ وَ أَسْرَرْتُمْ بَعْدَ الْإِعْلَانِ؟ وَ نَكَصْتُمْ بَعْدَ الْإِقْدَامِ؟ وَ أَشْرَكْتُمْ بَعْدَ الْإِيْمَانِ؟

«أَلَا تُقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَ هَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَ هُمْ بَدُّوْكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَتَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ

إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»*(۱۶۶)

تا آسیای اسلام بر محور وجود خاندان ما به گردش درآمد، و شیر در پستان مادر روزگار فزونی گرفت، نعره های شرک در گلوها خفه شد و شعله های دروغ فرو نشست، آتش کفر خاموش گشت، و دعوت به پراکنندگی متوقف شد و نظام دین محکم گشت.

پس چرا بعد از آن همه بیانات قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله امروز حیران مانده اید؟ چرا حقایق را بعد از آشکار شدن مکتوم می دارید و پیمان های خود را شکسته اید، و بعد از ایمان راه شرک پیش گرفته اید؟

«آیا با گروهی که پیمان های خود را شکستند و تصمیم به اخراج پیامبر صلی الله علیه و آله گرفته اند پیکار نمی کنید؟ در حالی که آنها نخستین بار (پیکار با شما را) آغاز کردند، آیا از آنها می ترسید؟ با این که خداوند سزاوارتر است که از او بترسید، اگر مؤمن هستید».

أَلَا قَدْ أَرَىٰ أَنْ قَدْ أَخَلَدْتُمْ إِلَى الْخَفْضِ (۱۶۷)، وَ أَبْعَدْتُمْ مَنْ هُوَ أَحَقُّ بِالْبُشَيْرِ وَالْقَبْضِ، قَدْ خَلَوْتُمْ بِالِدَّعَةِ (۱۶۸) وَ نَجَوْتُمْ مِنَ الصَّبِيِّ بِالسَّعَةِ، فَمَجَجْتُمْ (۱۶۹) مَا وَعَيْتُمْ، وَ دَسَعْتُمُ الدِّي تَسْوَعْتُمْ. (۱۷۰)

فَ إِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ.*(۱۷۱)

قسمت دهم

أَلَا وَ قَدْ قُلْتُ مَا قُلْتُ عَلَىٰ مَعْرِفَةٍ مِنِّي بِالْخَذَلِ الَّتِي خَامَرْتُكُمْ وَ الْعُدْرَةَ الَّتِي اسْتَشَعَرْتَهَا قُلُوبُكُمْ، وَ لَكِنَّهَا فَيْضُهُ النَّفْسِ، وَ نَفْتُهُ (۱۷۲) الْغَيْضِ [الْغَيْظِ]، وَ حَوْرُ (۱۷۳) الْقَنَاهِ (۱۷۴) وَ بَنَّةُ (۱۷۵) الصَّدْرِ، وَ تَقْدِمَةُ الْحُجَّةِ.

آگاه باشید من چنین می بینم که شما رو به راحتی گذارده اید، و عافیت طلب شده اید، کسی را که از همه برای زعامت و اداره امور مسلمین شایسته تر بود دور ساختید، و به تن پروری و آسایش در گوشه خلوت تن دادید، و از فشار و تنگنای مسؤولیت ها

به وسعت بی تفاوتی روی آوردید.

آری آنچه را از ایمان و آگاهی در درون داشتید بیرون افکندید، و آب گوارایی را که نوشیده بودید به سختی از گلو بر آوردید! اما فراموش نکنید خداوند می فرماید: «اگر شما و همه مردم روی زمین کافر شوید (به خدا زیانی نمی رسد، چرا که) خداوند بی نیاز و شایسته ستایش است».

بدانید و آگاه باشید من آنچه را باید بگویم، گفتم، با این که به خوبی می دانم ترک یاری حق با گوشت و پوست شما آمیخته، و عهدشکنی قلب شما را فرا گرفته است ولی چون قلبم از اندوه پُر بود - و احساس مسؤولیت شدیدی می کردم - کمی از غم های درونی ام بیرون ریخت، و اندوهی که در سینه ام موج می زد خارج شد، تا با شما اتمام حجت کنم و عذری برای احدی باقی نماند.

فَدُونَكُمْوَمَا فَاحْتَقَبُوهَا (۱۷۶) دَبْرَةَ (۱۷۷) الظَّهْرِ، نَفِيَّيَه [نَقَبَه (۱۷۸)] الخَفِ، يَا قِيَه العَارِ (۱۷۹) مَوْسُوْمَه بَغَضِبِ اللّٰهِ وَ شَنَارِ (۱۸۰) اللَّابِدِ، مَوْصُوْلَه بِنَارِ اللّٰهِ الْمُوقَدَه الَّتِي تَطْلُعُ عَلٰى الْاَفْنَدَه.

فَبِعَيْنِ اللّٰهِ مَا تَفْعَلُوْنَ. «وَسَيَعْلَمُ الَّذِيْنَ ظَلَمُوْا اَيُّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُوْنَ».* (۱۸۱)

وَ اَنَا ابْنُهٗ نَذِيْرٍ لِّكُمْ بَيْنَ يَدَيِّ عَذَابٍ شَدِيْدٍ، فَاَعْمَلُوْا «اِنَّا عَامِلُوْنَ»*(۱۸۲)(۱۸۳) وَ اَنْتَظِرُوْا اِنَّا مُنْتَظِرُوْنَ».* (۱۸۴)(۱۸۵)

اکنون که چنین است این مرکب خلافت و آن فدک، همه از آن شما، محکم بچسبید و رها نکنید ولی بدانید این مرکبی نیست که بتوانید راه خود را بر آن ادامه دهید: پشتش زخم، و کف پایش شکافته است! داغ ننگ بر آن خورده، و غضب خداوند علامت آن است، و رسوایی ابدی همراه آن، و سرانجام به آتش برافروخته خشم الهی که از دل ها سربرمی کشد خواهد پیوست!

فراموش نکنید آنچه را انجام می دهید در برابر خداست.

«آنها که ستم کردند به زودی می دانند که

بازگشتشان به کجاست!

و من دختر پیامبری هستم که شما را در برابر عذاب شدید انداز کرد، «آنچه از دست شما بر می آید انجام دهید، ما هم انجام می دهیم؛ و انتظار بکشید، ما هم منتظریم!».

پی نوشت ها

- (۱) بحارالانوار، ج ۲۹، ص ۲۳۵، بلاغات النساء، ص ۲۳.
- (۲) المراجعات، ص ۳۹۲.
- (۳) وسیع و فراخ در محاورات فصیح می گویند: «ذرع سابغ»؛ زره رسا، نه دراز و نه کوتاه.
- (۴) جمع «الی» نعمت.
- (۵) إسداء «عطا، بخشیدن.
- (۶) جمع «مَنْت»، نعمت های گران قدر.
- (۷) زیاد.
- (۸) ندب «دعوت نمودن.
- (۹) ابتداء «بدون مثال و نقشه قبلی، اختراع.
- (۱۰) پیروی کردن.
- (۱۱) از ماده «ذَرَأَ» آفرید.
- (۱۲) گرامی داشتن و ارجمند داشتن.
- (۱۳) اگر شکاری را به طرف کسی برانند می گویند: حُشْتُ عَلَيْهِ الصَّيْدُ: شکار را به سوی او راندم.
- (۱۴) او را آفرید.
- (۱۵) او را مبعوث داشت.
- (۱۶) مستور.

۱۷) جمع «اهوال» حوادث ترس آور.

۱۸) محفوظ.

۱۹) جمع «مآل»، عاقبت و آخر کار.

۲۰) جمع «دهر» روزگاران دراز.

۲۱) فرق: جمع فرقه، گروهها.

۲۲) جمع «عاکف»، ملازمان.

۲۳) جمع «وثن»، بت ها.

۲۴) جمع «بهمه» مسائل مشکل و پیچیده و حیرت زا.

۲۵) تحیر و راه نیافتن.

۲۶) گمراهی، ضد رشد.

۲۷) کوری و گمراهی.

۲۸) فراگرفته شد.

۲۹) جمع «بلیغ»، رسانندگان پیام یا خبر.

۳۰) نور ساطع» نور برآمده همراه با درخشندگی است.

۳۱) اسم فاعل از «لمعان» روشن شدن و درخشیدن.

۳۲) آرزو بردن به حال کسی بدون آن که زوال آن را از وی بخواهد، در مقابل حسد که زوال آن را آرزو می کند.

۳۳) ایصال، رساندن.

۳۴) نظم و ترتیب دادن.

۳۵) نگهداری و بازداشتن خون از ریختن.

۳۶) نقص و کم دادن.

(۳۷) انداختن شیء.

(۳۸) سوره آل عمران، آیه ۱۰۲.

(۳۹)

(۴۰) سوره فاطر، آیه ۲۸.

(۴۱) دوری و تجاوز از حق.

(۴۲) آنچه موجب مشقت و دشواری شما باشد.

(۴۳) سوره توبه: آیه ۱۲۹.

(۴۴) نسبت او را

بررسی کنید.

(۴۵) از «صدع» آشکار کردن، شکافتن، به جای آوردن فرمان.

(۴۶) راه، محله، مرکز.

(۴۷) وسط هر چیز و عمده آن، میان پشت و کتف.

(۴۸) جمع «کظم»، گلو، دهان، راه تنفس.

(۴۹) از «نکت» به رو انداختن و به سر درافکندن را می گویند.

(۵۰) انهزام «شکست خوردن.

(۵۱) پشت گرداندند، کنایه از شکست.

(۵۲) شب صبح را شکافت.

(۵۳) روشن شد.

(۵۴) جمع «ششقه» آنچه شتر مست از دهان بیرون کند، کنایه از سخنوری.

(۵۵) هلاک شد.

(۵۶) مردمان پست و فرومایه.

(۵۷) به زبان آوردید.

(۵۸) مردم (کمتر از ده نفر).

(۵۹) جمع «ابيض» سفید پوستان.

(۶۰) جمع «اخمص» گرسنگان.

(۶۱) آب اندک.

(۶۲) فرصت.

(۶۳) شعله کوچک آتش.

(۶۴) لگد کوب.

(۶۵) گنداب، آب آمیخته با بول شتر.

(۶۶) از «قوت» به معنای غذا یعنی آذوقه خود قرار می دادید.

(۶۷) پوست بز دباغی نشده.

(۶۸) گرفتار شد.

(۶۹) سرکردگان عرب.

(۷۰) جمع «مارد» طغیان گران و سرکشان.

(۷۱) آشکار شد، «نَجْم» آشکار شدن و رویدن گیاه ها.

(۷۲) شاخ.

(۷۳) گشوده شد «فغرت فاغره»: دهانی گشوده شد.

(۷۴) فعل ماضی از قَذَف: انداخت.

(۷۵) بر نمی گشت، دست بردار نبود.

(۷۶) مضارع از مصدر «وطی ء» لگد کوب می کرد.

(۷۷) فرورفتگی کف پا.

(۷۸) إخماد: خاموش کردن.

(۷۹) شعله آتش.

(۸۰) رنج پذیر، رنج بر.

(۸۱) اسم فاعل «شَمْر» أَرَاةٌ عن ساقه: بالا زد پیراهن خود را از ساق پا.

(۸۲) رنج بر، زحمت کش (۸۳) جمع «وَادِع» آسوده خیالان، تن آسایان.

(۸۴) انتظار می کشیدید.

۸۵) جمع دایره، حوادث نامطلوب.

۸۶) توقع داشتید.

۸۷) از آن خیری که به طرف آن رفته بودید بر می گشتید.

۸۸) رویارویی دو طرف در جنگ.

۸۹) خار، کینه و عدوات در دل.

۹۰) پوشیده شد.

۹۱) روپوش.

۹۲) ساکت، خاموش.

۹۳) گمراهان، «کاظم الغاوین» گمراهان خاموش.

۹۴) ظاهر شد.

۹۵) ساقط، زبون، گمنام.

۹۶) رئیس ارجمند.

۹۷) خطر، دم جنبانیدن حیوان و به راست و چپ زدن آن.

۹۸) ساحت ها.

۹۹) جای خزیدن.

۱۰۰) خدعه.

۱۰۱) از «وسم»

اثر داغ کردن حیوان با آتش.

(۱۰۲) جراحی و زخم.

(۱۰۳) وسیع، گشاد.

(۱۰۴) زخم.

(۱۰۵) جراحی، هنوز بهبودی نیافته.

(۱۰۶) سوره توبه: آیه ۴۹.

(۱۰۷) از «زهر» درخشان، فروزان.

(۱۰۸) نور چهره و غالب.

(۱۰۹) طلب کند.

(۱۱۰) سوره آل عمران: آیه ۸۵.

(۱۱۱) درنگ نکردید، از «لبث» درنگ نمودن.

(۱۱۲) آسان شود.

(۱۱۳) ریسمانی که با آن حیوانی را بکشند.

(۱۱۴) آتش جنگ را روشن کردید.

(۱۱۵) بر وزن «تمره» شعله.

(۱۱۶) قطعه شعله ور شده از آتش.

(۱۱۷) بریدن.

(۱۱۸) جمع «مدیه» کارد تیز.

(۱۱۹) با تیر و نیزه زدن اما نه به قدری که بشکافد.

(۱۲۰) سوره مائده: آیه ۵۰.

(۱۲۱) تهمت بزرگ و عجیب.

(۱۲۲) سوره نمل: آیه ۱۶.

(۱۲۳)

(۱۲۴) سوره مریم: آیه ۵ و ۶.

(۱۲۵)

(۱۲۶) سوره انفال: آیه ۷۵

(۱۲۷)

(۱۲۸) سوره نساء: آیه ۱۱.

(۱۲۹) سوره بقره: آیه ۱۸۰.

(۱۳۰) محبوبیت و منزلت.

(۱۳۱) اسم فعل به معنای امر، بگیر مرکب و شتر خلافت را.

(۱۳۲) مهار شد.

(۱۳۳) افسار زده و جُل شده (آماده).

(۱۳۴) سوره انعام: آیه ۶۷.

(۱۳۵)

(۱۳۶) سوره هود: آیه ۳۹.

(۱۳۷) چشم یا نگاه.

(۱۳۸) از «نقب» شاهد قوم که گفته او مورد قبول طایفه خود باشد، چهره های با نفوذ و شناخته شده.

(۱۳۹) جمع عضد، نصرت و بازو.

(۱۴۰) جمع «حاضن» حافظ و نگه دارنده.

۱۴۱) سستی در عمل و نادانی در عقل.

۱۴۲) اسم فعل به معنای «سرع» و «عجل» یعنی چه با سرعت و با شتاب.

۱۴۳) پی و مانند آن است که ذوب شود.

۱۴۴) امر عظیم.

۱۴۵) از «وسعت»، گشاد شد.

۱۴۶) لباسی که پوسیده و پاره شده باشد.

۱۴۷) شکاف.

۱۴۸) خیرش تمام و منقطع شده.

۱۴۹) شرو بلا.

۱۵۰) آواز بلند.

۱۵۱) صدای بلند.

۱۵۲) سوره آل عمران : آیه ۱۴۴.

۱۵۳) اسم فعل به معنی امر، به کسی که ادامه گفتار و یا عملی را از کسی دیگر بخواهد

«ایه» گفته می شود.

(۱۵۴) از «هضم» شکستن، ظلم کردن، بازداشتن ، نقص.

(۱۵۵) مجلس و محل مشورت.

(۱۵۶) بدون زره و سپر به استقبال دشمن رفتن.

(۱۵۷) جمع «بهمه» مجهولی که شناخته نشود، قهرمان.

(۱۵۸) جریان و کثرت.

(۱۵۹) شیر دوشیده شده.

(۱۶۰) در این جا خضوع گردنکشان.

(۱۶۱) هیجان.

(۱۶۲) شعله های آتش فرو نشست.

(۱۶۳) آرامش پیدا کرد.

(۱۶۴) فتنه.

(۱۶۵) نظم یافت.

(۱۶۶) سوره توبه: آیه ۱۳.

(۱۶۷) آسایش زندگی.

(۱۶۸) راحت و آرامش.

(۱۶۹) مَجَّ ریختن.

(۱۷۰) از «ساغ الشراب» به سهولت و آسانی نوشیدید.

(۱۷۱) سوره ابراهیم: آیه ۸.

(۱۷۲) نفثه المصدور: آه کشیدن از درد سینه.

(۱۷۳) ضعف و سستی.

(۱۷۴) نیزه.

(۱۷۵) نشر و اظهار، غمی که انسان توانایی کتمان آن را ندارد و اظهار می کند.

(۱۷۶) از «حقب» ریسمانی که با آن رحل را به شکم شتر می بندند و آماده سوار شدن می شود.

(۱۷۷) زخمی که در پشت شتر و یا هر مرکبی باشد.

(۱۷۸) نازک شدن پشت پای شتر.

(۱۷۹) عیبی که در معرض زوال نباشد.

(۱۸۰) عیب و عار.

(۱۸۱) سوره شعراء: آیه ۲۲۷.

(۱۸۲) سوره شعراء: آیه ۲۲۷.

(۱۸۳)

(۱۸۴) سوره هود: آیه ۱۲۲ - ۱۲۱.

(۱۸۵)

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

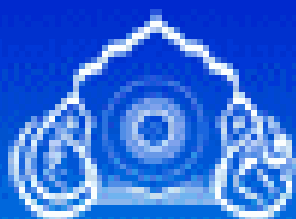
ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

گام‌های

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹